

بسم الله الرحمن الرحيم شرح دعای ابوحمزه ثمالی از آیت الله جوادی آملی دامت برکاته (قسمت پانزدهم)

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ أَعْطَيْتُ عَلَى مَعَاصِي الْجَلِيلِ الرَّشَى. سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي وَ غَلَبَنِي هَوَانِي وَ أَعَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي وَ غَرَّنِي سِتْرُكَ الْمَرْحَى عَلَى

گر چه همواره راه نیایش عبد و مولا باز است، ولی برای زمان مشخص مانند ماه مبارک رمضان که عید اولیای الهی است، فضیلت مخصوص است...

در نوبت قبل اشاره شد که وجود مبارک امام سجاد سلام الله علیه حال نیایشگر را چنان ترسیم می کند که دعا کننده عرض می کند: پروردگارا! من نه تنها تو را معصیت کردم، هم به جلالت و عظمت تو آگاه بودم، و هم برای معصیت رشوه می دادم، و هم از پرداخت رشوه های سنگین دریغی نداشتم

این نسخه ای که آمده است: چند سبک نقل شده است؛ یکی این که:

أَعْطَيْتُ عَلَى مَعَاصِي الْجَلِيلِ الرَّشَى

یعنی من نه معصیت های خدای جلیل و بزرگوار رشوه می دادم! که این یک نقصی است روی نقص قبلی؛ انسان با اعتراف به جلالت خدا او را معصیت می کند که بر معاصی خدای جلیل رشوه می دادم. برخی از نسخ این چنین آمده است که: أَعْطَيْتُ عَلَى جَلِيلِ الْمَعَاصَى الرَّشَى. من بر آن معصیت های بزرگ رشوه می دادم.

برخی از نسخ این چنین است: فَأَعْطَيْتُ عَلَى مَعَاصِي جَلِيلِ الرَّشَى، که هم رشوه های سنگین می پرداختم. به هر تقدیر چه نسخه اول یا نسخه دوم یا نسخه سوم باشد، نیایشگر اعتراف می کند که خدایا! من نه تنها معصیت می کردم، بلکه برای پرداخت معصیت، مقدمات معصیت را هم فراهم می کردم، یعنی رشوه می دادم تا گناه کنم؛ این نهایت فرومایگی را می رساند.

این کار به نام (تسویل) است که زشت را زیبا نشان دادن، زیبا را زشت نشان دادن، حق را باطل نشان دادن، باطل را حق نشان دادن، صدق را کذب نشان دادن، کذب را صدق نشان دادن، حسن را قبیح نشان دادن، قبیح را حسن نشان دادن، این نیرنگ، کار تسویل است. نفس انسان در برابر عقل در جبهه جهاد اکبر در این بخش کارش تسویل است. وقتی که مسؤلانه رفتار کرد، انسان را فریب می دهد. وقتی فریب داد، مبتلا می کند به این کار. وقتی مبتلا کرد به این کار، این را حق دید و صدق دید، مکرر این را انجام می دهد. وقتی مکرر انجام داد، به دام اسارت همین نفس مسؤل قرار می گیرد. در جبهه جهاد اکبر شکست می خورد. وقتی شکست خورد، آن وقت اسیر می شود.

آنگاه عرض می کند: ذات اقدس إلهها! من در تمام این تبهکاری ها روی لجاج و عناد نبود، روی ضعف بود. در جبهه جهاد درونی وقتی شهوت بر عقل غالب بشود یا غضب بر عقل غالب بشود، روی بیان نورانی امیرالمؤمنین سلام الله علیه که فرمود: كَمْ مِنْ عَقْلٍ أَسِيرٍ تَحْتَ هَوَىِّ أَمِيرٍ (2)،

یعنی در جهاد درونی گاهی هوس امیر می‌شود و عقل اسیر، من عظام امیر هوس شد! وقتی اسیرانه زندگی کردم، قهراً تن به تباهی دادم و برای این تباهی هم غرامت‌های سنگینی ارائه کردم.

آنگاه نوبت به (تسویل) می‌رسد؛ وجود مبارک امام سجاد سلام الله علیه در این قسمت یک روانشناسی حکیمانه‌ای را ارائه می‌کند تا انسان نفس خود را و شئون و شعب نفس را بشناسد و بداند هر پیشنهادی که در محضر او ارائه می‌شود از کدام شأن از شئون نفس است، گرچه نفس فی وحدتها کُلُّ الأوس

خلاصه آن تحلیل این است که انسان گرچه دارای شئون گوناگونی است، ولی اگر بتواند این شئون را رهبری کند، همه این شئون‌های ادراکی و تحریکی به امامت عقل او نماز جماعت می‌گذارند. یعنی در درون او یک قافله و یک کاروانی است به مدیریت عقل که در پیشگاه ذات اقدس إله گُرنش می‌کنند، نماز می‌خوانند، اطاعت می‌کنند به امامت عقل. یعنی هم نیروی ادراکی او به نام حس و خیال و وهم به عقل نظر او اقتدا می‌کنند،

هم نیروی تحریکی او به نام شهوت و غضب در بخش‌های اراده و تصمیم و جزم و عزم ما و مانند آن به عقل عملی او اقتدا می‌کنند و چون حقیقت گوهر انسانی جامع عقلین عملی و نظری است، در آن قلّه فرمانروائی و هرم دستور دهی و عمارت آن عقل جامع قرار می‌گیرد که جوامع کَلِم به همان عقل داده می‌شود. آنگاه او امامت این قافله‌های علمی و عملی را به عهده دارد، یک کاروان علم و عمل به آن قلّه عقل جامع اقتدا می‌کنند. چنین کسی در جهاد اکبر پیروز است.

و اگر این توفیق نصیب کسی نشد، خطر از اینجا شروع می‌شود که انسان یک خواسته‌هایی دارد، هم در بخش‌های وهم و خیال برخی از اندیشه‌ها نسبت به او معقول جلوه می‌کنند، هم در بخش‌های شهوت و غضب برخی از خواسته‌ها برای او محبوب و حق جلوه می‌کند.

شیطان به کمک این خواسته‌های درونی آنچه را که مورد علاقه انسان است، گرچه زشت است او را زیبا نشان می‌دهد، آنچه مورد انزجار و نفرت انسان است، یعنی نفرت شهوت اوست، در پیشگاه شهوت او یا در پیشگاه غضب او منفور است، او را زشت نشان می‌دهد. وقتی که زیبا را زشت و زشت را زیبا نشان داد در بخش عقل نظری، حق را باطل و باطل را حق و صدق را کذب و کذب را صدق می‌پندارد. در بخش‌های حکمت عملی حسن را قبیح و قبیح را حسن تلقی می‌کند.

انسان گرچه دارای شئون گوناگونی است، ولی اگر بتواند این شئون را رهبری کند، همه این شئون‌های ادراکی و تحریکی به امامت عقل او نماز جماعت می‌گذارند. یعنی در درون او یک قافله و یک کاروانی است به مدیریت عقل که در پیشگاه ذات اقدس إله گُرنش می‌کنند، نماز می‌خوانند، اطاعت می‌کنند به امامت عقل .

آنگاه یکی از شئون نفس که او نفس مُسَوِّله نام دارد، کارش این است که او را بداند انسان چه چیز می‌طلبد. این شخص آیا مال دوست است، جاه دوست است، میز و پُست و مقام می‌طلبد یا در اعمال غرائض جنسی گرفتار مشکلات است؛ برخی‌ها در مقام جاه زانوهای آنها می‌لرزد، برخی در مقام اعمال غرائض زانوهای آنها می‌لغزد، بعضی از نظر پول، بعضی از نظر تهدید، برخی از نظر تحبیب، بالأخره هر کسی یک نقطه ضعفی دارد؛ این شأن از شئون نفس وقتی که روان کاوی کرد، درون کاوی کرد، بررسی کرد که این انسان چه چیزی را دوست دارد و از چه چیزی می‌ترسد، آنچه را که او دوست دارد، زشت‌ترین و بدترین رخدادهای او را به صورت یک امر زیبای آن شخص پسند در می‌آورد، در برابر دیدگان او مجسم می‌کند و او را زیبا نشان می‌دهد. یا یک چیزی را که زیباست، زشت نشان می‌دهد و از او دورش می‌کند. این کار به نام (تسویل) است که زشت را زیبا نشان دادن، زیبا را زشت نشان دادن، حق را باطل نشان دادن، باطل را حق نشان دادن، صدق را کذب نشان دادن، کذب را صدق نشان دادن، حسن را قبیح نشان دادن، قبیح را حسن نشان دادن، این نیرنگ کار تسویل است. نفس انسان در برابر عقل در جبهه جهاد اکبر در این بخش کارش تسویل است. وقتی که مُسَوِّلانه رفتار کرد، انسان را فریب می‌دهد. وقتی فریب داد، مبتلا می‌کند به این کار . وقتی مبتلا کرد به این کار ، این را حق دید و صدق دید، مکرر این را انجام می‌دهد. وقتی مکرر انجام داد، به دام اسارت همین نفس مُسَوِّله قرار می‌گیرد. در جبهه جهاد اکبر شکست می‌خورد. وقتی شکست خورد ، آن وقت اسیر می‌شود.

این است که وجود مبارک امام سجاد عرض کرد: پروردگارا! من در تمام موارد، هیچ کدام، در هیچ موردی شما را با انکار ربوبیت معصیت نکردم، بلکه

سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي وَ غَلَبَنِي هَوَانِي وَ آعَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي وَ غَرَّنِي سِتْرُكَ الْمَرْحَى عَلَيَّ

از یک سو تو پرده‌داری کردی، پرده‌داری نکردی، من مغرور شدم. از طرفی شهوت و غضب غالب شد، من در این جهاد شکست خوردم.

همانطوری که برادران یوسف طبق بیان یعقوب سلام الله علیه سَوَّلْتُ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ (3) بود، همانطوری که سامری گفت: سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي (4)؛ گاهی گوساله پرستی در اثر تسویل نفس، توحید می‌شود! گاهی برادرکشی در اثر تسویل نفس کار خوب تلقی می‌شود. این تسویل از خطرناک‌ترین مراحل نفس انسانی است در بخش جهاد اکبر. وقتی انسان گرفتار نفس مُسَوَّلَه شد، به دام می‌افتد؛ وقتی دام افتاد، اسیر می‌شود.

آنگاه وجود مبارک امام سجاد عرض می‌کند: پروردگارا! من اسیر شده به دام افتاده را کی باید درمان کند.

پی نوشت ها :

1- سوره فرقان / آیه 77

2- بحار الأنوار / ج 66 / ص 410

3- سوره یوسف / آیه 18 و آیه 83

4- سوره طه / آیه 96

منبع: تبیان.

#گروه_صهبای_رمضان

معاونت فرهنگی تربیتی مرکز آموزش های غیرحضوری

<http://vufarhangi.whc.ir>